

# گروه ماهنامه فیروز



فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

یک نفر اعلان کرده که من درجه عقل نفر شماره (1) را معلوم می کنم . مردم گفتند چی رقم ؟ گفت فقط ببینید ! آمده پیش نفر شماره (1) عرض کرده که فلانی در قشلاق ما خزانه پیدا کرده . نفر شماره (1) بدون اینکه منطق گپ را بسنجد : پولیس را فرستاد و طرف را ولچک زده آوردند و تحت فشار و شکنجه اش گرفتند که کجاکردی خزانه را ؟ باز احوال روان کرد آقای شماره (1) شوخی کردم جدی نگیر !!!

76

1

جوزا 1390 / مطابق می 2011

شماره 76

سال هفتم

## مشرانو جرگه خواست های مردم غور را پیگیری می کند!

تأمین امنیت ، اصلاح اداره پولیس ، احیاء اصلاح اداره معارف ، اعمار سرک مرکزی ، اعمار بند برق ، بهبود صحت ، ریشه یابی فساد اداری ، حل منازعات بزرگ قومی و تجدید نظر در نحوه مدیریت حکومت محلی غور مهمترین خواست های مردم غور است . طی ده سال گذشته مردم ولایت غور چندین بار خواست های خود را با مقامات بلند پایه حکومت مرکزی در میان گذاشتند اما متصدیان امور ، به وعده های خود هیچگاهی وفا نکردند که در نتیجه خواست های مردم غور جامه عمل نپوشید . اخیراً مشرانو جرگه جمهوری اسلامی افغانستان هیئت را تحت ریاست محترم محمد اعلم ایزد یار معاون اول مشرانو جرگه به این ولایت فرستاد که مردم غور را ملاقات نمود و مشکلات آنها را از نزدیک بررسی کرد تا از طریق شورای ملی پیگیری شود . نهاد های مدنی و مردم غور مهمترین خواست های خود را کتبا به هیئت مذکور سپردند و خواستار پیگیری خوسته مشروع مردم خود شدند . خواست های مردم غور از طریق مشرانو جرگه جمهوری اسلامی افغانستان با مسئولین بلند پایه حکومت در میان گذاشته شد و از پیگیری حتمی آن به « فیروز کوه » اطمینان داده شد . ماهنامه « فیروز کوه » از مشرانو جرگه جمهوری اسلامی افغانستان قدر دانی می نماید .

## سال ها به چپ راه !!

جمشید « احمدی »

این روز ها به راستی همان مسأله بزرگ نمایی ، می خواهد جای پای خود را باز در جامعه باز کند ، بلی این موضوع می تواند در بعضی موارد حتی حقایق بس بزرگ و واقعیت های آشکار را از چشم های مان دور ساخته ، تصویر مجازی را که حقیقت نما است پیش روی همگان ظاهر سازد و زمینه سوء استفاده های هر چه بیشتر را برای آنها می گرداند که از این روند سالها سود بردند و بر پیکره ای آسیب پذیر مردم دست جفای شان بیداد کرده ، باز هم فرصت را مساعد سازد . ادامه صفحه 3

## جلو سوء استفاده از وسایط نقلیه پولیس غور گرفته شد!

قربان حکمت

قوماندانی امنیت ولایت غور تعهد نامه را مبنی بر جلوگیری از سوء استفاده و تیز رانی رنجر های پولیس به امضا رسانید . جنرال خدایار قدسی فرمانده پولیس غور با ابراز این مطلب به « فیروز کوه » گفت : « نشریه فیروز کوه مطالب را مبنی بر سوء استفاده از وسایط نقلیه ، تیز رانی رنجر های پولیس توسط راننده ها و منسوبین پولیس نشر کرده بود که در نتیجه مسئولین بخش های مختلف قوماندانی امنیت غور طی یک نشست تعهدنامه چند ماده ای را به امضا رسانیده اند که بعد از این راننده ها و منسوبین پولیس این اداره از موتر های پولیس استفاده جوی شخصی نکنند و از تیزرانی های بی مورد پیشگیری نمایند تا از آزار و اذیت شهروندان فیروز کوه خود داری شود ، در صورت تخلف مورد پیگرد قانونی قرار می گیرند . » نشریه فیروز کوه از این اقدام نیک قوماندانی امنیت و فرمانده پولیس غور قدر دانی می کند .

## رسالت شورای صلح

غلام ربانی هدفمند

دوام سه دهه جنگ ، فرصت مناسبی بود برای عرض وجود حلقهات و گروه های که حیات سیاسی و دوام راه آنها وابسته به خواست ها و آب و نان خارجی ها بوده و است . در نتیجه این وابستگی ها ، بیش از سه میلیون انسان این سرزمین از دست شد ، اقتصاد ، مدیریت ، فرهنگ و باور های بقایای پس از جنگ به شدت آسیب دید . زیرا جنگ ها ، بزرگترین منابع عایداتی و تغذیه افراد لاابالی ، بی بند و بار ، بیگانه با انسانیت ، ضد دین و دشمن مذهب این مرز و بوم بوده و هست .

ده سال تمام از عمر حکومتی مبتنی به اراده مردم گذشت . طی این سال ها در مقابل طالب و تروریسم و افراد مسلح غیر مسؤول ... مبارزه شد تا به کج فکری ، دهشت و ترور نقطه پایان گذاشته شود ، که نشد . منسوبین دولتی از رأس تا قاعده ، قوانین را به پای زر و زور نقض می کنند که در نتیجه ، مردم قوانین را مصنوعی ، غیر عملی و کاذب عنوان می نمایند و بر این تمام برنامه های دولت و جامعه جهانی معکوس از آب در می آید .

حالا جامعه جهانی و حکومت افغانستان ظاهراً می خواهند دل مردم را به دست آورند و علیه وضعیت نامطلوب حاکم ، که دست پخت حلقهات و گروه های مزدور و باداران آنها عنوان می شود ، با تغییر روش مبارزه کنند . ( هر چند هدف و برنامه اصلی شان پشت پرده است ) برای رسیدن به این هدف زر های تازه ای را باز گشایی کرده اند . یکی از این زر ها « شورای صلح » است . این شورا با هزینه هنگفت مالی اساس گذاری گردید که در تمام ولایات کشور ، باب گشوده دارد . در این شورا در ولایت غور هم ، باز است اما ؛ افرادی که به عنوان « مصلح » عضویت این شورا را کسب کرده اند ؛ اکثرأ اطراف درگیر اند ، و تعدادی از آنها ، همان شله های سیاسی سود جو !!! . اسباب معیشت اعضای این شورا نیک تهیه می شود تا به نحوی قناعت همسنگران خود را فراهم کنند که اسلحه خویش را به زمین گذارند و در اصطلاح به آبادی کشور سهیم شوند ... اطراف درگیر از این آدرس می خواهند به نحوی کار های گذشته و پلان های ناباب مڈرن خود را ، ردای خیر و حقانیت ببوشند و با ظاهر آراسته به صلح ، زمینه را مساعد نمایند تا آب گل شود و ماهی بگیرند که می گیرند !!! . شله های سیاسی سود جو هم از این خلا استفاده می کنند . حرف های تزیینی می گویند و برنامه های تمثیلی می سازند تا مثل گذشته سود سیاسی ببرند و پول جمع کنند . از همین خاطر مجبور اند وساطت نمایند و به خاطر فریب اذهان عامه و گپ دادن مقامات مرکزی خود ، از ساده دلی ، خوش باوری و اعتماد بعضی ها به چالاکي سوء استفاده کنند تا یک برنامه تمثیلی را سر و سامان داده و از این طریق قلم مقامات مرکزی خویش را بلغزانند و به اهداف نامطلوب و سیاسی خویش نایل شوند . اسباب دنیا ، به بصیرت و دید آنها کدورت و خاک می باشد تا از اعتماد و ایمان مردم سوء استفاده کنند و ... !!! . از طرف دیگر فراهم کردن قناعت آنها می که سال ها از خون مردم تغذیه کردند و حال هم به همان راه طی طریق می نمایند ، کار سهل و آسانی نیست . در ولایت غور منازعات کلانی وجود دارد ( که دست پخت ... است و منبع تغذیه تعداد زیاد باز نشستگان دوران جنگ و معامله گران قرن 21 به حساب می آید ) و سال ها لاینحل باقی مانده و پای مقامات حکومتی را در هر زمانی لنگ نشان داده است . یک تن اعضای این شورا در تالار کنفرانس های مقام ولایت غور به هیأت مشرانو جرگه پیشنهاد کرد : « شما برای مردم غور پوهنتون بسازید ، رسیدگی و حل منازعات را به شورای صلح غور بسپارید . ادامه صفحه 3

## دولت فاسد اشخاص فاسد را می خواهد!!!

محمد یاسر کمالی ولایت غور شهر فیروز کوه

با گذشت ده سال از عمر دولت آقای کرزی ، غور بیگس شاهد هیچگونه تغییر بنیادی در عرصه های مختلف خصوصاً در عرصه معارف نیست . این معضل از آنجای ناشی می شود که دولت در گزینش اشخاص در پست های دولتی معیار شایسته سالاری و لیاقت را در نظر نگرفته بلکه افراد را به اساس حاکم بودن روابط بر ضوابط (بولدار و کارتن کلان) تعیین می نماید . به باور من ایجاد اداره ای بنام اصلاحات اداری جز فریب اذهان مردم چیزی دیگری نیست . اصلاً دولت به اصل شایسته سالاری و اهلیت باورمند نیست . به این اساس چنین اشخاص تغییرات در روند زندگی شخصی خویش را نسبت به تغییرات بنیادی جامعه و مردم ترجیح می دهند . به محض اینکه آوازه تقرری خویش را شنید آماده گی خریداری موتر های مودل بالا را می گیرد . دست داشتن مقامات بلند پایه دولتی به سوء استفاده های بزرگ باعث شده که مردم از دامن دولت فاصله گرفته و به گروه های مسلح غیر مسئول رو بیاورند . خشونت ، ناامنی ، عدم فضای اعتماد بین ملت و دولت روز بروز وخیم تر شده می رود . خصوصاً مردم محروم و مظلوم غور از کارکرد های دولت آقای کرزی در طول ده سال ... ادامه صفحه 3

**مطلب ذیل نخست به نشریه 21 روان شد تا به عنوان نقدی بر پالیسی 21 چاپ شود. اما مسؤلین 21 از نشر این مطلب 21 بار معذرت خواستند. چاپ این مطلب به معنی قرار گرفتن «فیروزکوه» در برابر نماینده های مردم و 21 نیست. «فیروزکوه» از تلاش های عام المنفعه محترم سیدنادر شاه «بحر» و تمام نماینده های مردم غور قدر دانی می کند. از اینکه رسانه های غیر دولتی در ولایت غور نوپای اند. و رسالت رسانه های آزاد بر خورد ژورنالیستی و غیر جانبدارانه با قضایا است.**

# 21 در 21 کوچه

جمشید احمدی

ارگان ملی و اجتماعی جوانان غور و نشریه 21 لاف مدنیت و جوانی میزند، به شماره ۱۰۰۰ تور نشریه 21 (ماهنامه ارگان جوانان غور) مطلبی تحت عنوان فعالیت های محترم سید نادر شاه بحر نماینده منتخب مردم غور در مجلس نمایندگان چاپ شده بود، این نوشته نشان داد که نشریه 21 نامش تازه و جدید؛ اما اندیشه هایش مال قرن ما نیست! در حالیکه انتظار می رود نام نشریه با معیارها و دیدگاهها و اندیشه های انسان های قرن 21 مطابقت داشته باشد. نشریه 21 شمولیت تعدادی از جوانانی را که در کانکور 1389 بی نتیجه مانده بودند و بعداً به اساس همکاری و تلاشها، به بعضی از موسسات تحصیلات عالی کامیاب گردیدند از کارها و فعالیت های شخص آقای بحر قلمداد کردند و خواستند به حق بقیه و کلا و شورای وزرا سورة یاسین بخوانند. دوستان ارگان ملی و نشریه 21 در 21 کوچه و جبهه و تنظیم سیاسی وابستگی های دارند که بما ربطی ندارد و از طرفی بالاتر از حق ما است که درین مسایل مداخل کنیم، اما نباید بخاطر وابستگی های گروهی خود برای بقیه دلسردی خلق کنند. دو اشتباه بزرگ نشریه 21 و ارگان ملی در همان مقاله:

یک - نوشته اند که 125 تن را آقای بحر توانسته با تلاش شبانه روزی! به موسسات تحصیلات عالی معرفی نماید. در حالیکه تعداد معرفی شدگان به موسسات تحصیلات عالی بالاتر از این رقم می باشد که آنها ادعا دارند و این خود نمایانگر اشتباه در ادعای شان است:

دو- مسأله معرفی کسانی که به امتحان کانکور بی نتیجه مانده بودند یک موضوع عام بوده و در اینجا نقش و تصمیم گیری شورای وزرا و هر دو مجلس شورای ملی کاملاً واضح و آشکاراست و همچنان تلاش و زحمات بی دریغ تمام نمایندگان ولایت غور چه آنانی که به مجلس نماینده گان هستند و چه آنهایی که در مجلس سنا کار می کنند، برای همه آفتابی است. باور داریم که محترم سیدنادر شاه بحر نماینده مردم غور در مجلس نماینده گان اگر همان مطلب را خوانده باشد؛ برای دست اندر کاران نشریه 21 و ارگان ملی توصیه نموده است که در چنین مسایلی که دلسردی خلق می کند؛ غلو نکنند. آرزوی ما هم از تمام رسانه این است که رسانه ها

# صاف و پوست کنده

- یک تن از خواننده های فیروزکوه گفت «از خواندن مطالب ماهنامه «فیروزکوه» ترس می خورم.
- نفر شماره (1) مسئولیت معرفی موسسات محلی را به مقامات پی آر تی و دونر های موجود غور به عهده گرفته است منزلی؛ محل بود و باش افراد مشکوک خواننده می شود.
- اخبار تلویزیون غور: «بنام خدا، با عرض سلام مجدد؛ شرط نامه را ملاحظه کنید، تضمین اخذ می گردد، پایان اخبار از تلویزیون ملی غور، شب خوش خدا نگهدار.
- نفر شماره (1) گفت که مکاتب آنها را به ما نشان بدهید!! طرف مقابل گفت که جناب؛ مکتب قوم را نمی شناسد.
- شهر دار سالون مقام را باید به توفدانی مسلح کند.
- به به گنج در ویرانه خود ما است نه در ملک مردم!
- یک نفر یک لک افغانی وعده کرده بود که پای کدام بی گناه را زنجیر کنه.
- نفر شماره (1) به نفر شماره (2) گفته هر چه دل تان میخواهد بنویسید بیاورید من امضا می کنم.
- نظر به تعدیل که در طرز العمل داخلی شورای ولایتی غور آمده است، نماینده های ملت در، درگیری های فزینگی به جای بوتل آب از تلفون نوکیای (دوازده صد) استفاده می کنند. اتحادیه موبایل فروشان شهر چغچران از این اقدام شورای ولایتی غور به گرمی استقبال نموده و وعده سپردند که دور بعدی هم برای شان رای می دهند.
- اضافه تر از سه هزار جلد کتاب در کتابخانه اطلاعات و فرهنگ غور در حالت بی سرنوشتی؛ زندانی اند. مدیر امور جوانان اطلاعات و فرهنگ به نماینده گی از دشمنان کتاب این اداره، از هیئت مشرانو جرگه خواست که با تأسیس یک زندان مجهز تازه برای کتابها، تعداد زندانیان این کتابخانه را نیز افزایش دهند.
- یک وکیل از روز اول تا حال یخن دولت را دارد که معاونیت اداری معارف غور به قوم ما بدهید.
- از دست شله های که دیدین!؛ خواست های اساسی مردم غور از برنامه، هی میدان وطنی میدان حذف شد.
- نشریه (21) نه به تو راست می گوید نه به ما نه به شما.
- نفر شماره (1) لقب بهترین مترجم را نزد مقامات پی آر تی غور از آن خود کرد.
- نشست های که بین گروه های مخالف صورت می گیرد، شورای صلح بنام خود اعلان می کند.
- دونرها جلو، و نفر شماره (1) به دنبال آنها. میتنگها موقوف شد.
- پای منارجام رسیدیم، خبرنگار تلویزیون غور گفت «وووووو کمره تلویزیون را فراموش کردم، به خانه ماند»
- قیمت هر ده لیتر آب دریا هریرود به شهر چغچران به 150 افغانی رسیده، مجبور در سر سبزی از تخم للمی استفاده کنیم!!!

# زنان و حق کار

عبدالقیوم "شاداب"

«حق کار زنان» پس از انقلاب صنعتی و پیدایش کارخانه های نوین صنعتی، در صدر مباحث سیاسی و اجتماعی قرار گرفت و دیدگاه های متفاوتی نسبت به این موضوع پدیدار گشت. از یک سو، تأکید افراطی مکتب لیبرال - سرمایه داری و جنبش فمینیستی بر حقوق زنان - از جمله حق کار آنان بدون توجه به دیگر زوایای مسئله - یکی از مولفه های مهم از هم پاشیدگی نهاد خانواده و خدشه دار کردن کرامت و حیثیت زن در غرب گردید، و از سوی دیگر، در شرق و برخی جوامع اسلامی، با تأثیرپذیری از عرف و عادات و رسوم نادرست و مغایر با عقل و شرع، در حق زنان اجحاف روا داشته شد. این همه در حالی است که حاکمیت هنجارهای حقوقی و اخلاقی اسلام از جمله در زمینه اشتغال زنان، می تواند نهاد خانواده و کرامت زنان را حفظ نماید. در این نوشتار، سعی شده است مستندات کتاب، سنت و قوانین موضوعه - حق تعلیم و تربیه، شرایط و محدودیت های اشتغال زنان و نگرش کلی اسلام در این باره مورد بررسی قرار گیرد. اصل جواز اشتغال زنان مورد تأکید کتاب، سنت و عقل است، اما در کنار آن، اذن شوهر به عنوان سرپرست خانواده، رعایت شرایط عمومی حضور زن در جامعه و رعایت کرامت زن، حیثیات زن و شوهر و مصالح خانواده از جمله شرایط جواز اشتغال زنان است. نگرش کلی اسلام آن است که زنان به مشاغل رومی آورند که متناسب با وضعیت روحی و جسمی شان باشد.

## حق تعلیم و تربیت:

خداوند(ج) پیش از همه چیز پیامبر(ص) را امر به (خواندن) می کند: سورة اقرا آیه های 1-5 «بخوان به نام پروردگارت که آفرید، آفرید آدمی را از خون بسته. بخوان پروردگارت تو برزگوارتر است، آنکه علم آموخت به وسیله قلم، و آموخت به انسان آنچه را نمی دانست» در آیه مبارکه خطاب به انسان شده نه مردویازن. یکی از وظایف خطیر پیامبران الهی تعلیم و تربیت است. خداوند(ج) در این مورد فرموده است: «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزد». هدف اسلام این است که تمامی انسان ها در این امر مهم به پیش روند و به درجات عالییه ی کمال نا یل آیند، از این رو چنان بستر فراهم نموده که زنها نیز همچون مردان به فراگیری دانش و تزکیه نفس بپردازند. از آنجا که حق آموزش و تحصیل، از حقوق طبیعی و فطری انسانی محسوب شده و هیچ ارتباطی با زنانگی و مردانگی ندارد، اسلام نیز با نگرش متین و متقن برای حق تحصیل و آموزش زن و مرد ارزش بسیار ویژه ای قایل شده است. اسلام در ارزش گذاری نامحدود برای تحصیل علم، شاخصه هایی را عنوان می نماید که نظیر آن در هیچ مکتبی یافت نمی شود، زیرا قید زمان را با شعار «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» از تحصیل علم برداشته و محدودیت مکانی را با قید «ولو بالصین» مضمحل نموده است و محدودیت سرچشمه اخذ دانش را با روایت شریف «اطلبوا العلم ولو عند مشرک» از بین برده و قید جنسیت را با تعبیر «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» از میان برداشته است. البته در بعضی از روایات، لفظ «مسلمة» نیست ولی قراین لفظی و معنوی شهادت می دهند که مسلم، اسم جنس بوده و شامل مرد و زن می شود. میتوان دلایل جواز اشتغال زنان را طوردیل فهرست بندی نمود:

## 1 - قرآن کریم:

از آیات قرآن کریم می توان استنباط نمود که کسب و کار - فی الجمله - برای زنان مجاز بوده و حرام نیست. برخی از اطلاقات، عمومیات، دلالت التزامی آیات ما را به جواز کار زنان رهنمون می سازند: خداوند(ج) در آیه 32 سوره نساء فرموده است (مردان را از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای است). آیه کریمه بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد؛ زیرا حلال بودن اکتساب - یعنی تحصیل درآمد - مفروض گرفته شده و سپس درباره ی درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. پس اگر زن و یا مرد از راه عمل چیزی به دست آورند خاص خودشان است. در اینجا، کلمه ی «اکتساب» عمل اختیاری و غیر اختیاری را شامل می شود، گرچه دانشمندان علم لغت درباره ی واژه ی «کسب» و «اکتساب» گفته اند که هر دو مختص جایی هستند که عمل به اختیار آدمی انجام شود. در هر صورت، واژه ی «اکتساب» عمل اختیاری را شامل می شود که در اینجا مورد نظر است. آیه دیگری که با اطلاق خود، بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد آیه ذیل است: خداوند(ج) در سوره جمعه آیه 10 فرموده است «هنگامی که نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید؛ شاید رستگار شوید» این آیه بر جواز کار زنان دلالت دارد؛ چنان که در تفسیر نمونه آمده است: گرچه جمله ی «و ابتغوا من فضل الله» و یا تعبیرات مشابه آن در قرآن، شاید غالباً به معنای طلب روزی و کسب و تجارت آمده است، ولی روشن است که مفهوم این جمله گسترده است و کسب و کار یکی از مصادیق آن است. امر به انتشار در روی زمین و طلب روزی امر وجوبی نیست، بلکه - به اصطلاح - امر بعد از حظر و نهی است و دلیل بر جواز می باشد. خطاب در آیه عام است و شامل مرد و زن می شود.

## 2-سنت:

از روایات نیز می توان جواز اشتغال زنان را به دست آورد؛ چنان که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمة» که طلب مال حلال از راه کسب و کار را نیز شامل می شود. در جای دیگر آمده است: «رخص رسول الله (ص) فی خروج النساء العواتق العیدین للتعرض الرزق» فرستاده خدا (ص) به زنان جوان اجازه دادند تا در مراسم عید فطر و قربان [از منازل خود] خارج شوند و برای تهیه روزی، بساط بگسترانند. سیره و نوع رفتار پیامبر (ص) با اشتغال زنان در عصر رسالت، به خوبی گویای جواز کار زنان است و جواز بسیاری از کارها برای زنان امضا شده. ادامه صفحه 3

## زنان و حق ...

صنایع دستی، نخ ریسی، پارچه بافی، تجارت، بازرگانی، فروشندگی، پرستاری و امدادگری، نانوايي و چوپاني از جمله مشاغل زنان در عصر رسالت بوده و حضرت از این کارها نهي نفرموده و آن را در چارچوب احکام اسلام امضا کرده اند. در تفسیر المیزان آمده است: امور غیر عامه از قبیل تعلیم و تعلم، کسب، و پرستاري بیماران و مداوي آنان، پیامبر زنان را از آن منع نفرموده سیرت نبویه بسیاری از این کارها را امضا کرده است.

اشتغال زنان در عصر رسالت به شکل گسترده به چشم می خورد و تقریباً در بسیاری شغل های رایج آن زمان، زنان حضور داشتند. می توان از آیات و روایات این گونه استنباط کرد که زنان حق دارند برخی مشاغل را عهده دار گردند؛ زیرا اطلاعات و عمومیات آیات، روایات و سیره، بر این امر دلالت دارند، مگر دلیل خاصی آنها را مقید، و شغل خاصی را برای زنان ممنوع سازد.

### 3. قوانین موضوعه و حق کار زنان :

درفقوانین موضوعه جمهوری اسلامی افغانستان اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز به حق کار اشاره شده است . درقانون اساسی آمده است (کارحق هرافغان است .تعیین ساعات کار،رخصتی بامزد،حقوق کارگرو سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم میگردد.انتخاب شغل وحرفه ،درحدوداحکام قانون ،آزادی باشد). درقانون کارجمهوری اسلامی افغانستان هیچ ماده ذکر نشده که زن را ازحق کارمشروع ومحیط امن بیرون خاتمه منع کرده باشد.در همین اصل، دولت موظف شده است برای همه ي افراد(مردوزن) امکان اشتغال به کار و شرایط مساوي را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.ماده (13) اعلامیه جهانی حقوق بشراسلامی ،حق کاربخاطرتامین نفقه بدون درنظرداشت جنس اشاره شده است .همچنان ماده (16)اعلامیه مذکورآمده است درانتخاب کسب مشروع بدون درنظرداشت جنسیت یادآوری شده است .ماده (23) اعلامیه جهانی حقوق بشر(همه حق دارندبه خاطر یک دست مزدعادلانه درمحیط امن کارکنند).درماده مذکورهمه حق دارندیعنی مردوزن میتواننددرمحیط خاتمه و بیرون از محیط خاتمه کارنمایند.

### 4. عقل :

هر گاه برای فرد هدف اخلاقي و برای جامعه هدف حقوقي قابل شدیم و از فرد و جامعه خواستیم که برای تحقق هدف خود بکوشند، طبعاً برای رسیدن به هدف خود، از وسایلی استفاده می کنند. استفاده فرد از قوای جسمی و روحی و استعدادهاي گوناگون مادي و معنوي خویش، اگر برای رسیدن به هدف اعلاي اخلاقي باشد، کاملاً مشروع و مجاز است. دسته اي از حقوق به گونه اي هستند که عقل انسان - مستقلاً - دلیل حق بودنشان را در می یابد، یعنی به خوبی در می یابد که انسان اگر از آنها محروم گردد، هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی یابد؛ همانند: خوردن، آشامیدن، لباس، مسکن، کار کردن و مانند آن. در این گونه موارد، که عقل بدون کمک از منبع دیگر، ارتباط میان فعل و هدف را به خوبی شناسایی می کند و از راه کشف ارتباط به ثبوت حق می رسد، ثبوت حق در این گونه موارد، از «مستقلات عقلي» است. از این رشته حقوق گاهی به «حقوق عقلي» یا «حقوق فطري» یاد می کنند. پس بدون کار کردن همانند دیگر نیازهاي اولیه، انسان به اهداف اخلاقي و اجتماعي خود نخواهد رسید و از این رو، حق کار کردن، چه برای زن و چه مرد، جزو حقوق فطري و مستقلات عقلي است و اگر انسان ها از آن محروم گردند هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی یابد.

از دوستان که تفکر سخت گیرانه رابط به حق تعلیم و تربیه زن ،کارکردن در محیط امن و به اذن شوهر خارج از محوط خانه دارند.توقع میروند در مقابل حقوق که خداوند(ج)،سنت نبوی وقوانین نافذه کشور برای زن تعیین شده مبارزه نکنند،بلکه در مقابل تلف شدن حقوق زن از طریق عنعنات ناپسندیده ماتند(مهریه کمرشکن فعلا رایج یافته ،مصارف گزارف عروسی ها ،ازدواجهای اجباری ،ازدواج زیرسندبلوغ ...).که شخصیت زن را زیرسوال برده وتبديل به متاع کرده است،واقعاخلاف شریعت ،سنت وقوانین می باشدمبارزه نمایند.

### رسالت شورای صلح

ما توان حل منازعات قومی را داریم « در حالی که دامنه درگیری ها ، اختلافات قومی و منازعات مسلحانه ، لحظه به لحظه وسیع تر شده می رود، جان جوانان و افراد متعهد و شایسته این مرز و بوم را می گیرد و مردم غور را به ماتم می نشاند اما؛ شورای صلح از گوشه ها فقط نظاره می کند. حال حرف نماینده شورای صلح از دو حالت خالی نیست:

الف - به عنوان اطراف درگیر در سر و مان دادن جنگ ها عملاً دست دارند .

ب - صرفاً حرف تزیینی / لاف سیاسی بوده تا توجه مشرانو جرگه را به نحوی جلب نمایند .

در اصل وظیفه شورای صلح دعوت افراد ناراضی از دولت است ، افرادی که خواست های آنها با برنامه های دولت مطابقت ندارد ، از طریق این شورا ها دعوت می شوند و بین خواست آنها و برنامه های دولت وجوه مشترک جستجو می شود تا اسباب منازعات ریشه یابی شود و با جستجوی راه های منطقی و پیگیری معقول، گراف منازعات و دعاوی در کُل پایین آمده تا مردم افغانستان راه ملت شدن را ببینند و در نهایت مسأله افغانستان ، راه حل نهایی پیدا کند. برای پیمودن این راه ، ایجاب می نماید که شورای صلح هر ولایت ، با ساختار نظام اجتماعی مردم ، بافت های قومی و عوامل و اسباب بروز منازعات عمل کند . از این ناحیه ، شورای صلح غور ملامت است ؛ زیرا برنامه های خود را از ولایات دیگر کاپی می کند .

مشوره ما به شورای صلح غور این است که در مرز و بوم غور جای پای طالب و تروریست وجود ندارد . تمام منازعات و درگیری ها و دعاوی کلان اسباب محیطی دارد . بناءً ایجاب می کند که شورای صلح غور، راهکار های خود را در روشنایی یافت های اجتماعی مردم ، حقایق جا افتاده و منطق مبتنی بر منافع عام مردم غور ، سامان دهد . زیرا طی طریق به پس کوچه های خود خواهی و نامطلوب ، گرهی از کار نمی گشاید و سبب می شود تا آیندگان به اشتباهات امروزی ها ، اشک بریزند و حد اقل از دعای خیر در حق شان دریغ ورزند .

## سال ها به چپ راه ...

بزرگ نمایی به قول معروف همان خود را در انظار عامه خوب ، شایسته، کارا ، مسولیت شناس، وطن پرست و با وجدان جلوه دادن است. که برای تغییر اذهان عامه به سمت و سوی دلخواه ؛ زمینه ساز می باشد . تا حالا چنین شده است ، سوء استفاده های زیادی صورت گرفته است و می گیرد .

آنهای که امروز پشت « مایک » محفل و در جایگاه قرار می گیرند، آنهای که در مجالس صلح می نشینند و از صفا و صمیمیت حرف می زنند و آنهای که در چوکی قدرت تکیه دارند از قانون و قانون مداری خودها تاخت و تاز دارند ، آری حقیقت امر این است که « مایک » محفل و جایگاه آن امروزه محل شده برای لاف و پف و پتاق ها !! کسانی که آنجا قرار می گیرند خودها را معارف دوست تلقی می کنند ، به فکر آینده اطفال این سرزمین فال تعلیم و تربیه می زنند ، گاهی سری از آوردن شاخه دانشگاه بیرون می کنند و زمانی هم خودها را قانونی و از کاسه صلح به گوش مردم دهل می نوازند ، در حال که همه به خوبی می دانند، این ها همان های اند که (روز در جلد ملنگ اند و شب پلنگ!!) و سال ها پا به چپ راه گذاشته اند . با تأسف کسی را سراغ نداریم که خطاب به آنها بگوید که : ای آقای که امروزه از معارف قوی، عاری از فساد و با ثبات حرف می زنی، ای جناب که حالا خود را فاقد فساد می دانی و در واقع می خواهی برای خود ، جامعه قانونی درست کنی، آیا دیروز سنگ بنای معارف امروزه را چنانی که تا ثریا کج می رود ، خودت با همان تدبیر دیروزی ات نگذاشتی؟

تو که امروز از فساد اداری و عدم رعایت قانون حرف می زنی انگشت انتقاد خود را گاهی سوی ساختمان های مُد روز و خانه های متعدد و بلاک ها و دوکان های خود کرده اید؟

از همه می گذریم، جای سوال اینجاست که آیا محکمه وجدان در وجود آنهای که این همه مسایل را مرتکب شده اند، وجود دارد و یاخیر؟ اما من متیقین نیستم!!

برای همگان واضح است که چه کسی مرتکب چگونه عملی شده و حالا

هم چه می خواهد از پوستین کهنه مردم درست کند، مردم که نیاز به لقمه نانی دارد ، مردم که اطفالش نیازمند تعلیم و تربیه است، مردم که ضرورت جدی در راستای صلح، امنیت، و آسایش احساس می کند، پس کدام دست مرور و کدام بازوی مقاوم می خواهد مرحمی بگذارد بر این دردها؟ آیا همان های که قبلاً تعریفی از ایشان شد؟ و یا اینکه فکری تازه و طرحی نوی را درپیش گیریم؟

به گمان من همه مردم، این گروه جاه طلب و موقع شناس را شناخته برماست تا بتوانیم بر باور های درست و دقیق که افراد اجتماع ، از این گروه دارند ؛ لیبیک گفته و خواست های آنها را به کرسی عمل پیاده نماییم، این موقع زمانی میسر خواهد شد که خود ها را در برابر آنچه که مردم برما اعتماد می کنند و مسولیت اجتماعی مان ایجاب می کند ، متعهد، مسولیت شناس و قانون پذیر به اثبات برسائیم در غیر این چنان که به اثبات رسیده بازم همان راه ترکستان را خواهیم پیمود!!

## دولت فاسد اشخاص فاسد را ...

نهایت ناراضی هستند چون هنوز که هنوز است دولت آقای کرزی مردم غور را به عنوان باشندگان مُحِق این مرزو بوم نشناخته و حقوق شهروندی شان را ادا نساخته چرا؟ آیا ما شهروندی این وطن نیستیم؟ آیا ما به دولت مالیه نمی پردازیم؟ آیا فرزندان ما در صفوف اردو و پولیس خون و جان نمی دهند؟

**خطاب به وکلای ملت غور اعم از شورای ولایتی و پارلمان:**

وکلای نهایت محترم! شما در قبال آرای مردم بیچاره، فقیر، محروم و مظلوم غور نزد خدا و مردم مسؤل هستید. پس بر شماست تا ناظر و کنترولگر عملکرد دولت باشید نه مقلد و دنباله رو و ...

شما یک نگاه گذرا به کارکرد های وکلای دیگر ولایات بیندازید؛ آنها در تصمیم گیری های دولت جهت تعیین و تقرر افراد در پست های دولتی شان مداخله می کنند و نمی گذارند که دولت هر شخصی را که خواست انتخاب نماید، رضایت آنها در این امر حتمی است.

اما متأسفانه در غور چنین چیزی به نظر نمی رسد. هر شخصی را که دولت تعیین نمود هر یک کوشش می کنند که جلو تر مهمانی تهیه نماید و به او نزدیک تر باشد که این در واقع مهمان نوازی نه، بلکه چاپلوسی خوانده می شود.

بخاطر حفظ حرمت، آبرو، وقار و شرف تان در بین مردم و اجتماع نگذارید که دیگر این شعار های دروغین دولت بنام های تامین عدالت اجتماعی ، انکشاف متوازن و مشارکت ملی بصورت یک شعار باقی بماند بلکه به جاده های غور محروم نیز گام بردارد تا باشد که مردم محروم و فراموش شده غور به عنوان شهروندی واقعی این سر زمین بشمار بروند و حقوق مسلم شان ادا شود. با تأسف فراوان ما با داشتن دریای خروشان هریرود، صاحب برق نیستیم. این واقعاً برای شما و برای کسانی که داد از عدالت و انکشاف متوازن و مشارکت ملی می زنند جای نهایت شرم است. بیایید پناه به خداوند(ج) کمر همت را ببندید و یکبار دیگر تاریخ سلاطین غوری را تازه کنید. (یک ثانیه زنده گی با افتخار و با وقار بهتر از صد سال زنده گی ذلت بار و بی ننگی است)

در بخش معارف: دولت در طول ده سال زمامداری اش در صدر معارف غور اشخاصی را بر گزید و بر می گزیند که اصلاً اهل معارف نیستند و به معنویت و ارزش والای معارف و به این مرجع اندیشه ساز ، که انسان های کور دل را به جاده هدایت، سعادت و روشنایی دعوت نموده و زنده گی آنها را متحول می سازد باورمند نیستند.

### خشت اول گر نهد معمار کج

تا ثریا می رود ، دیوار کج؟؟؟

به این اساس کدر رهبری معارف بعضی اساتید را استخدام می نماید که غیر مسلکی اند و از استخدام نمودن افراد جوان ، تحصیلکرده ، مسلکی و مجرب آبا می ورزد. پس با داشتن همچو اساتید غیر مسلکی که (%) فیصدی را بز میخواند باید نتایج 1390 را دور از انتظار نداشته باشیم !! آیا امکان دارد که با کاشتن جو، گندم حاصل دروید؟؟؟ به طور اوسط سالانه دانش آموزان غور در امتحان کانکور 70 الی 75 در صد بی نتیجه می مانند و این واقعاً یک چالش بزرگ و خطرناک برای جوانان و دانش آموزان غور است و نتیجه تلخ آن را جز خود شان هیچ مسئولی معارف نمی چشند. تقاضای من از دولت در راستای معارف این است که لطفاً در گزینش افراد رده های اول و دوم معارف غور محتاط بوده و عاقلانه عمل نمایند. چون معارف ستون فقرات یک جامعه را تشکیل داده ترقی و پیشرفت جامعه بشری به معارف و معارف پروران دلسوز بستگی دارد.

## مقاومت مردم در برابر پولیس!

قربان حکمت

این روزها پولیس غور به قریه های اطراف چغچران می روند تا تریاک کشت شده سال 1390 را محو کنند روز 1390/3/3 نوبت محو تریاک قریه آهنگران مرکز غور بود. تیم تخریب مزارع تریاک با تشریک مساعی نور محمد یعقوبی سرپرست مقام ولایت غور، جنرال خدایار قدسی قوماندان امنیه غور، عبدالرشید بشیر آمر امنیت غور، دگرجنرال عبدالحلیم حلیم ریس خرنوالی وزارت امور داخله، انجینر برما هیئت اعزامی وزارت مبارزه با مواد مخدر در قریه مذکور رفته و به کار خود آغاز کرد؛ مردم این قریه در مقابل پولیس ایستاده گی نمودند.



مردم این قریه مدعی اند که دولت در تأمین امنیت، اعمار و باز سازی سرک های غور و سرک مرکزی، اعمار بند برق، اصلاح اداره معارف و مساعدت های عام المنفعه دیگر وعده های زیاد داده؛ اما به وعده های خود جامه عمل نپوشیده است که در نتیجه باعث گسترش جنگ ها، بی سوادگی، فقر و تنگ دستی مردم شده و ما ساکنین آهنگران از مجبورت به کشت تریاک رو آورده ایم

قابل ذکر است که در قریه آهنگران بیش از 100 جریب زمین تریاک کشت شده است، قرار مشاهده صرف یک جریب زمین که «بیوه زنی» تریاک کشت کرده بود؛ تخریب شد و پولیس با بر خورد و عکس العمل صاحب مزرعه مواجه شد، بیوه صاحب مزرعه تخریب شده؛ مدعی شد که «فقیر و نادار هستم، اولاد هایم از گرسنگی می میرند، حکومت رحم ندارد، زراعت مرا تخریب نموده و برای من کمک نمی کند، چرا زمین های زورمندان را تخریب نمی کند، از من فقط یک جریب است، شما شاهد صدها جریب تریاک دیگر هستید که تخریب نمی شود و دولتی ها از زور مندان می ترسند یا با آنها معامله می کنند، کسی را ندارم که از من دفاع کند، مجبور هستم که دست به گدایی بزنم و اولاد هایم از درس و تعلیم باز می مانند» گفتنی است که مقاومت صاحب مزرعه؛ فیر های خفیه نیرو های امنیتی را به همراه داشت که در نتیجه، بیوه از مبارزه دست کشید. قرار مشاهده هدف از این عملیات جز صحنه سازی چیزی دیگری نبود!! اگر جریان مبارزه با مواد مخدر از همین قرار باشد، تریاک کشت شده تخریب نمی شود زیرا در حال حاضر در ولایت غور 157 تن قوماندان مسلح غیر مسؤل حضور فعال دارند که موازی با دولت، حکومت می کنند. قوماندان های مسلح غیر مسؤل در ولسوالی های مختلف از همین راه امرار معیشت می کنند، سلاح می خرند و افراد خود را مسلح نموده و اعاشه و وابسته می دهند. مسؤلیت گریزی مسؤلین بلند پایه، احتمال معامله گری مسؤلین پایین رتبه مبارزه با مواد مخدر را قوت بیشتر می بخشد. از جانب دیگر تعداد زیاد جوانان به عنوان سرمایه ملت معتاد می شوند که ذاتاً خساره جبران ناپذیری است.

## جبر تاریخ

زمان الدین حبیبی

راد مردان و دلبران همچون سلطان علاوالدین حسین غوری، سلطان غیاث الدین غوری، سلطان شهاب الدین غوری، و... شخصیت های شجاع و مهربان بوده اند که شهکار های آنها را جبر تاریخ دفن کرده است. آنها کساتی بودند که با شهامت و ایمان داری کامل نام مردم غور و سلسله غوری را در آینه تاریخ جهان بر افراشتند. اما مردم رنج دیده و ستم کشیده جغرافیای امروزی غور نابسامانی های مختلف را در طول سی سال جنگ متحمل شده اند. اکنون ولایت غور از هر لحاظ به فراموشی سپرده شده است. روان شهروندان فیروزکوه لحظه ای از ظلم و استبداد و خون ریزی و دهشت افگنی دشمنان تاریخ غور؛ آرام نیست. مرز و بوم غور؛ هر روز خون می بیند، افراد شایسته و شخصیت های باتدبیر و باورمند غور همواره قربانی خواست های نامطلوب افراد معامله گر، چالاک و استفاده جو می شوند. تعداد بخاطر ادامه حیات دست به خود ساتسوری می زنند. در حال حاضر؛ دشمنان تاریخ و فرهنگ غور بیشتر از هر زمان دیگر در جغرافیای غور حضور فعال دارند، گذشته از اینکه در ولسوالی ها چه می گذرد؛ هر روز به فاصله های پنج - شش کیلومتری مرکز غور با اطمینان خاطر گشت زنی نموده و مردم را آزار و اذیت می کنند، حکومت مبتنی به اراده مردم را بد توصیف می کنند و مردم را مجبور می کنند علیه نظام فعلی قرار بگیرند. همچنین پولیس اربکی که دست پخت ناسنجیده حکومت است؛ بیشتر از تروریست، طالب و قوماندان های مسلح غیر مسؤل؛ خطر ایجاد کرده است از طرف فضای شهر فیروزکوه بیگ لحظه از شر گرد و خاک موثرهای روسای دولت و وکلای ملت مصون نیست. اما مسؤلین امور کوچک ترین تدبیر و اقدام عملی برای دفاع از خود و جلوگیری از آزار و اذیت مردم غور ندارند. تنها قشر که واقعاً دلسوزانه دست به کار اند؛ همانا معلمین و دانش آموزان و دانشجویان اند، آنها می هستند که از تجاوز و استبداد و دیکتاتوری بجان آمده و نمی خواهند که بیشتر ازین مورد ظلم و استبداد قرار داشته باشند. این معلم است که شب ها دود چراغ می خورد و روز ها تا شام با دست تباشیر آلود به پا ایستاده و اولاد وطن را تعلیم می دهد در حالی که اسباب معیشت درست هم ندارد. اما مسؤلین امور اداره محلی ولایت غور به خواست و طرح ها و پیشنهادات آنها احترام نمی گذارند. مردم مظلوم غور انتظار داشتند که با آمدن آقای (هیواد) والی جدید و ریس تازه نفس معارف (احمد تواب) و بعد از چهار دور تحول معاونیت تدریسی معارف گامی بسوی بهبود مدیریت اداره محلی، تأمین امنیت، اصلاح معارف و باز گشایی مکاتب برداشته خواهد شد. ولی بد بختانه امروز در غور با اینکه نیروی های امنیتی و اردوی ملی حضور دارند؛ وضعیت نابسامان در این جغرافیا حاکم شده که تحمل آن تکان دهنده است. از هر کنار و اکناف غور تا مرکز آن همه روزه مردم بی گناه به قتل می رسند، اطفال یتیم، و زنان بی سر پرست می شوند. هر کس می گوید اگر من والی غور باشم چنین می کنم تو که شدی حالا چنان کن آقا!! اما قشر معلم و دانشجوی غور هم چنان با شهامت و مردانگی لازم؛ مسؤلیت خود را به اندازه توان بشری خود به وجه احسن انجام می دهند. و تلاش می کنند که به مرور زمان کار به اهل کار سپرده شود و آنانی که از خون و حق مردم تغذیه کرده و می کنند به جرم نقض حقوق بشر و مسؤلین فعلی اداره محلی غور به جرم سهل انگاری در وظیفه عادلانه محاکمه شوند تا ظلم و استبداد و سوء استفاده از این مرز و بوم رخت بندد و فلاح و رستگاری به سراغ مردم بیاید.

## سخت است خون آدم!

غلام ربانی هدفمند

**فتنه گر و دورنگی! شام و سحر تملق!!**  
**چون «جنگلی» ز رنگی!! در این گذر تملق!**  
**تخم نفاق کاری! در خانه خانه ی ما!**  
**گویا به فکر جنگی!؟ دارد خطر تملق!**  
**حیله گران دورت. راهی به حق نبردند!**  
**انگشت نما. به چنگی تیغ و تبر تملق!!!**  
**تیشه مزین به ریشه! سخت است خون آدم!!**  
**در راه عیب و ننگی! بار دگر تملق!!**  
**تا زنده ایم اما. یاسین مخوان تو بر ما!**  
**مستی و هم ملنگی. اصل نفر تملق!!**  
**«اندیشه» های «گهنه». حالا که زنگ. خورده!**  
**بی هوش چرس و بنگی!؟ گویند اگر تملق!!**  
**گر دشمن حیاتی! خنجر مزین تو از پشت!!**  
**توهم ز خاک و سنگی!! در این سفر تملق!**  
**از کار کله خود «انسان»!؟ غیر «آدم»!!**  
**تک ابله «چشنگی»!! بھر خبر تملق!**  
**جهل است و جبر مطلق. هر برهه حیانت!!**  
**خود خواه و ظرف. تنگی! ... مگر تملق!!**

بنیاد جوانان و تحصیل کردگان غور

غلام ربانی هدفمند / تماس: 0797244300 [hadafmand.25@gmail.com](mailto:hadafmand.25@gmail.com)

جمشید احمدی / 0798980330 [jamshid1364@gmail.com](mailto:jamshid1364@gmail.com)

عبدالغنی جامع / تماس: 0799437614

محمد یاسر کامالی / 0797578007 [vaseer.kamali@gmail.com](mailto:vaseer.kamali@gmail.com)

فضل الحق فایق / تماس: 0799565585

قربان حکمت و علاوالدین محمدی / 0798262719 / 0754800101

خان محمدسیلاب

ferozkohm@yahoo.com

گروه نویسندگان

چاپخانه / شمارگان: 1500

دفتر بنیاد جوانان و تحصیل کردگان غور، رو بروی دارالمعلمین عالی غور

صاحب امتیاز:

مدیر مسئول:

معاون مدیرمسئول:

سر دبیر:

معاون سردبیر:

ویراستار:

خبرنگاران:

طرح و دبیران:

آدرس الکترونیکی:

تحت نظر:

محل چاپ:

آدرس:

**این ملت من است که دستان خویش را بر گرد آفتاب کمر بند کرده است**

**این دست های اوست که می کوید از یقین دروازه های بسته تردید قرن را قهار عاصی**

**از تمام نویسندگان متعهد و پاکدل آرزو مندیم تا با ارسال مطالب خود فیروزکوه را یاری رسانند.**

**فیروزکوه در ویرایش مطالب دست باز دارد. مطالب ارسال شده مسترد نمی شود. اداره فیروزکوه.**